

● محمدحسین کیانی *

● سای بابا

و توهم تجلی خداگونه

چکیده: عرفانهای نوظهور اشاره به رونق جریانهای فکری است که در دهه های گذشته با شکلی متفاوت در دنیای معنوی به راه افتاده است. در بدو فراگیری این عرفانها امر بر شماری مشتبه شد که عرفانهای نوظهور، گرایشهای معنوی منکر وجود خدا هستند، حال آنکه در این عرفانها اشاراتی به وجود خداوند رفته است، لکن مسأله بر سر میزان اعتبار خدا و چگونگی قدرت نمایی او در امور انسانی است. بدین سان که این گرایشها از آن جهت که اثرپذیرفته از جریانهای مدرن غربی اند، به شدت بر انسان گرایی تکیه دارند و به هیچ عنوان حاضر نیستند از اصول اولیه خود، یعنی اومانیسم و سکولاریسم، دست بردارند. از جهت دیگر، چون این نحله ها عنوان عرفان، دین و یا معنویت را به خود گرفته اند، ناگزیر، در فراخور احوال و نوشتار و گفتار خویش سخن از خدا و یا خدایان متعدد را به میان آورده اند.

ساتیا سای بابا به عنوان یکی از مروجین عرفانهای نوظهور در هند دارای

* پژوهشگر اخلاق و عرفان پژوهشکده باقرالعلوم .

آوازه‌ای جهانی است. او بر اساس تعالیم کهن هندو و ویژگیهای منحصر به فرد عرفانهای نوپدید دارای تعالیم قابل توجهی است. نگارنده در این مقاله سعی دارد تا بعد از اشاره‌ای کوتاه به ویژگیهای تجلیهای خدا در هندوئیسم، ادعای نوع رابطه ساتیا سایی بابا با خدا و تجلیهای سه گانه او را بررسی کند. و ازگان کلیدی: عرفانهای نوظهور، هندوئیسم، اوتار، خدا باوری، ویشنو، سایی بابا شیردی، پرما سایی بابا.

مقدمه

از نیمه اول قرن نوزدهم، دگرگونیهای بزرگی در درون هند رخ داد که با دگرگونیهای داخل در سنت دینی متنوع هندوئیسم همسو بود و تا به امروز هم ادامه دارد. عواملی که چنین دگرگونیهایی را پدید آوردند، هم بسیار بودند و هم بفرنج: حکومت بریتانیا، گسترش ارتباطات، آمدن مطبوعات، توسعه زبانهای بومی جدید، آموزش و پرورش غربی، استفاده از زبان انگلیسی، چالش مسیحیت و مبلغان آن (میسوینهای مسیحی غربی)، رشد آگاهی سیاسی و اجتماعی، ملی‌گرایی، فشار رویدادهای داخلی و جهانی که به استقلال و تشکیل پاکستان انجامید، و تجربه هندوهایی که در خارج از هند به شکل پراکندگی بسیار گسترده زندگی می‌کنند.

اما پاسخهای گونه‌گونی که در داخل هندوئیسم به مسائل بالا داده می‌شد، سبب شد که به شکل یک دین جهانی خودباور بدل شود. این تغییر در دو جهت به هم پیوسته، صورت گرفت:

اولی، که بیش‌ترین توجه را در نوشته‌های غربی به خود جلب کرد «رئسانس» یا «نوزایی» هندو یا تکامل «هندوئیسم نو» است که بارام موهن

روی^۱ (۱۷۷۲ - ۱۸۳۳) در بنگال آغاز می شود.

دومی، که بومی تر شده و پیوستگی و روشنی اش کم تر است، و از این رو، بسیاری از آن غافل مانده اند - تنها به این علت که مطالب آن به زبانهای بومی نوشته شده - از نو جان گرفتن گسترده و بیان مجدد سنت موجود در بسیاری از رشته های آن است، که می توان آن را «ضد اصلاح» ستانده درمه یا «سبک کهن» یا جاودانه دین هندوها دانست. (فرهنگ ادیان جهان، ۱۳۸۶ / ۶۷۸).

در این میان، پاره ای نحله های معنوی نوینی حاصل شد که علاوه بر تأثیرپذیری از دگرگونیهای بالا، دارای خصوصیات مشترک جداگانه ای بودند. آنان آموزه های کهن هندو را براساس مؤلفه های مدرنیته و پاره ای مقاصد صرف سیاسی تفسیر کردند. بدین سان، نیمی از تعالیم آنان ریشه در نیازهای جهان غرب داشت. می توان گفت که جریانهای معنوی شرقی، هر چند که بر پایه تعالیم کهن مشرق زمین پا گرفته اند؛ اما علت وجودی آنان ریشه در هدفها و امال غربی دارد. در مقابل این جریان شناسی در شرق، جنبشهای غربی دیگری نیز پا گرفته اند، بدین سان که برابر این نظریه، با گسترش تبلیغات ادیان شرقی در مغرب زمین، جنبشهای نوپدید غربی به وجود آمده است. بنابراین تعبیر، جنبشهای نوپدید غربی با گرایشهای صوفیانه شرقی و پاره ای از آموزه های معنوی مشرق زمین گره خورده است. ادیان نوپدید جنبشهایی هستند که در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ میلادی براساس رشد شور تبلیغی جدید از سوی ادیان شرقی، افزایش و گسترش اطلاعات درباره ادیان شرقی، و پیدایش فراروان شناسی و داروهای روان پریشی زا و روان شناسی انسان گرایانه و نیز قانون منع ورود شرقیها به ایالات متحده، ایجاد شدند (New Religious Movements, 1999:16).

خرافه پردازی در جنبشهای نوین معنوی

خرافه موجب دوری انسان از واقعیت است، چنانچه بزرگترین مانع وصول به واقعیت، وجود خرافه و خرافه پرستی است. از این روی، پیامبران، همواره با آن به مخالفت برخاسته اند. پیامبر اسلام، یکی از بزرگترین هدفهای بعثت را مبارزه با خرافه گرایی بیان کرده است. از طرفی، گسترش خرافه گرایی نشان از منفعت بردن شماری دارد. مراد ما از «منفعت» می تواند در حد یک لذت بردن ساده برای خنیدیدن باشد و یا در حد به دست آوردن منفعت بزرگ سیاسی و یا دست آوردن یک منفعت بزرگ مالی. که این مطلب با اندک درنگی درباره افراد معلوم الحالی که اصل خرافه را می سازند، به دست می آید.

در انواع تعالیم عرفانهای نوظهور، می توان نمونه های فراوانی از خرافه گرایی را یافت. خرافه هایی که فلسفه خلقت و نوع منفعت حاصله از آن به طور کامل مشهود است. ضمن آن که هیچ دلیل معقولی برای پذیرش ادعا ارائه نمی شود، تا سالک بتواند آن را بپذیرد.

از طرف دیگر، وقتی می گویم در بسیاری از عرفانهای نوظهور، نه تنها به تفکر گرایی توجه نمی شود، بلکه تلاش بر سر تشویق سالک بر تفکر گریزی است. این بدین معنی نیست که آنان در تمامی امور زندگی باب عقل و تفکر گرایی را بسته اند؛ چرا که در پس پرده و لابه لای گزاره های تعلیمی آنان به شدت عقل معاش اوج می گیرد؛ عقل معاشی که در بستر سرمایه داری و روح امپریالیسم در حال فعالیت است.

مراد از تفکر گریزی، تأمل و تدبر درباره عاقبت انسان است. این که آدمی از کجا آمده است؟ آیا ممکن است در این دنیا وظایفی داشته باشد؟ و سرانجام به کجا خواهد رفت و عاقبت او چه خواهد شد؟

هدف از طرح این پرسشها ایجاد حس شتابزده برای استقبال از ادیان توحیدی نیست، بلکه مقصود اندک درنگ فلسفی دربارهٔ صحت و سقم این پرسشهاست؛ یعنی همان چیزی که عرفانهای نوظهور به شدت مریدان خود را از آن پرهیز می‌دهند. بازداشتن از تفکر دربارهٔ این پرسشها، در تلاش آنان برای تبلیغ و گسترش تفکر گریزی نمایان می‌شود.

مکتب معنوی سای بابا در این باره دارای سهم بسیاری است. در این مقاله تلاش می‌شود تا به یکی از ادعاهای سای بابا پیردازیم و میزان صحت و سقم و رابطه آن را با حقیقت بسنجیم.

تجلی خداگونه در هندوئیسم

از ارکان اساسی در آموزه‌های هندوئیسم بحث دربارهٔ انواع تجلیهای خداوند است. در تعالیم هندوئیسم بحث از اوتار^۱ به معنای ظهور و تجلی خداوند، از اهمیت بالایی برخوردار است؛ از این روی، پرداختن به دو موضوع ضروری است: ویشنو و اوتار. اول بار آموزه تثلیث هندویی در کتاب مهابهارته^۲ بیان شد و کم‌کم در دیگر آموزه‌های هندوئیسم رونق یافت. برابر این ادعا، برهمن، یعنی نفس کلی در سه خدا تجلی کرده است که عبارت اند از:

۱. برهما^۴: خدای خلقت و آفریدگار کل جهان.

۲. شیوه^۵: خدای مرگ و مهلک کل جهان.

۳. ویشنو^۶: خدای زندگی و حافظ کل موجودات.

ویشنو، از مهم‌ترین خدایان هندو و دومین خدا از خدایان سه‌گانه اصلی است. او در ودا چهره نسبتاً کوچکی است با آسمان و پیوندهای خورشیدی و بیش‌تر به خاطر سه‌گامی مشهور است که او در آن، عالم را فروپوشاند.

(زمین، هوا و آسمان) اما در رزمنامه‌ها و پورانه‌ها، یکی از کانونهای بکتی^۷ شده است. پیروان او را، ویشنوه یا ویشنو پرست می‌گویند. آن‌جا که برهما، برهمن، سراغازین است و شیوا یوگی سراغازین، ویشنو شاه است و کار او نگهداری سرزمین و مردمانش است. او جهان را با تجسم اوتاره‌ها حفظ می‌کند. تابر اسوره‌ها^۸ (اهریمنان) و نیروهای دیگر شر پیروز شود. دو تن از اوتاره‌ها، یعنی رامه^۹ و کریشنه،^{۱۰} مرکز کیش‌های بزرگ بکتی‌اند. ویشنو همانند شاهان باستانی هند همسران بسیار دارد که از آن جمله، انسان‌وارگیهای پیروزی و کامیاری و گیاهان مقدس تولسی^{۱۱} اند.

اما همسر اصلی او لکشمی^{۱۲} بانو خدای نیکبختی است. او را عموماً در هند جنوبی با دو همسر نشان می‌دهند. یکی شری دیوی^{۱۳} در سمت راست او و دیگری بودیوی،^{۱۴} بانو خدای زمین در سمت چپ.

در هنر هندو، ویشنو، به رنگ آبی است. و نشانه اصلی او چکره است که صفحه مدور شعله‌ور، یا چرخ آتش است. که هر دو شاید پیوند او را با آسمان و خورشید القا می‌کنند. نماد حیوانی او گروده،^{۱۵} شاه پرندگان است. ویشنو در یک فرم متمایز پیکر روی چنبره‌های مارانته^{۱۶} یعنی بی‌پایان می‌خواهد که آن نیز روی آبهای اقیانوس کیهانی می‌آرامد. مدت دوام هر عالم را روز ویشنو و دوره میان عالم‌ها را شب او می‌دانند. او در آغاز هر چرخه نو، بیدار می‌شود و نیلوفری روی ساقه‌ی بلند از ناف او می‌روید. از نیلوفر، برهما پیدا می‌شود که عالم را از نو می‌آفریند.^{۱۷}

اما آن‌چه ویشنو را در میان هندوها و حتی دیگر مردم جهان جذاب و پرتوجه ساخته است، مسأله تجلیات خداگونه است که در این جهان خاکی از جانب ویشنورخ می‌دهد. در ادوار مختلف، ویشنو در اوتاره‌های عدیده تجسم پیدا کرده و به صورت انسان یا اشکال مافوق طبیعت در قسمتی از جوهر

الوهیت وارد شده و به آنها نیروی مافوق بشر بخشیده است. ظهور هریک از اوتارها برای اصلاح خطاهای بزرگ یا بخشیدن خوبیهای عظیم به این جهان بوده است.^{۱۸}

همچنان که دیگر اندیشه بزرگی در مهابهارتیه ظهورات و تجلیات ویشنو است. اوتاره یک مفهوم هندو است که اشاره بر فرود آمدن خدایی در زمین است. این مفهوم خاص سنتی است که به پرستش خدای بزرگ ویشنو همراه است. هندوها می‌پندارند که این خدا هر از گاهی صورت انسانی و یا حیوانی به خود می‌گیرد تا جهان را از نابودی درونی یا از آشفستگی یا از بلای بزرگ دیگری نجات دهد.

صورت‌هایی که ویشنو در گذشته به خود گرفته معمولاً نه اوتاره است که سه تای اول آن، یعنی ماهی و لاک‌پشت و گراز حیوانی اند. چهارمی دررگه، یعنی یک شیرمرد است. پنج‌تای باقی مانده انسان‌اند: یک کوقوله، رامه تبریه دست، رامه، کریشنه و بودا. اوتاره آینده کلیکن^{۱۹} است. چهار اوتاره گذشته احتمالاً چهره‌های تاریخی یا نیمه تاریخی اند. رامه تبریه دست بنا به سنت برهمنی بود که طبقه کشتریه را نابود کرد؛ چون که بیم آن می‌رفت که آنان بر جهان چیره شوند. داستان احتمالاً بازتاب کشاکشی است که در زمانهای کهن میان دو طبقه برهمن و کشتریه بر سر برتری سیاسی و اجتماعی روی داد. اوتاره هفتم، یعنی رامه، پهلوان شعر حماسی راماینه است. ششمین اوتاره، کریشنه است که پهلوان بسیاری از افسانه‌ها و داستان‌هایی است که از او به عنوان کودک و پسر و عاشق جوان خدایویبار عاشق پیشه گویی‌ها (دختران شیردوش)^{۲۰} یاد می‌شود و سرانجام هم به شکل باشنده خدایی که در شب نبرد بزرگ در کوروکشیتره^{۲۱} بر ارجونه^{۲۲} ظاهر شد و او را برانگیخت و وظیفه‌اش را بی طرفانه به عنوان عضو جنگاور به جا آورد. آوردن نام بودا در فهرست

مردمان هند جای گیرد. و از آن پس انواع نبایشها و مراسم قربانی در برابر این نمادها رخ دهد. تکیه بر این مآجرا، باعث می شود که در طولانی مدت مردمان عامه توجه بیش از اندازه به نمادها روا دارند و مسأله توتم پرستی را متبلور سازند. باری، بحث چند خدائی همواره در هندوئیسم و گرایشهای جدا شده از آن پر رونق بوده است. و هر چند ساتیاسای بابا، به واسطه اقتباس از تعالیم هندوئیسم، به انواع خدایان و تجلیات او معتقد است؛ ناگزیر برخلاف بسیاری از گرایشها و کتابهای مقدس هندوئیسم، بیش تر بر خدای اعلی تکیه دارد و همواره در تعالیم او بحث از خدا با تکیه بر وحدانیت شکل می گیرد.

ساتیاسای بابا می گوید:

«همه ادیان یک چیز را تعلیم می دهند (تطهیر ذهن از آسیب خودخواهی و پرهیز از لذتهای بی ارزش) هر آیینی به انسان می آموزد که وجود خویش را سرشار از شکوه و جلال ایزدی کند و از حقارت و پوچی و خودخواهی بپالاید. راه و روش تفکیک و تشخیص را به او تعلیم می دهد، تا شاید به تعالی برسد و به آزادی دست یابد. بدانید که همه قلبها تنها به یاد (یکی) که همان خداوند یکتاست به طپش در می آید و همه نامها و همه اشکال الهی نیز به خداوند یگانه اشاره دارد. این است پیامی که دارم و آرزو می کنم با قلبهای تان آن را دریافت کنید.»^{۳۴}

سای بابا می گوید:

«مهم ترین و بالاترین نیاز بشر امروزی این است که این واقعیت را بپذیرد که خداوند یکی است. این چیزی است که مسیح و محمد اعلام کرده اند. کلمة اللہ واقعاً به معنی یگانه متعالی است که همه چیز را در عالم هستی دربر می گیرد. باور اصلی تمام ادیان این

است که خداوند یکی است. مسیح، پدر بودن خداوند و برادر بودن بشر را اعلام نمود. انسان می‌تواند تنها یک پدر داشته باشد، نه دو تا. زمانی که مسیح به دنیا آمد، سه مرد خردمند ستاره‌ها را دنبال کردند تا به محل تولد او برسند. با دیدن نوزاد تازه به دنیا آمده، آنها در دل خود به این کودک الهی تعظیم کردند. قبل از ترک محل هر یک از آنها چیزی درباره کودک گفت: خردمند اول به حضرت مریم گفت: او عاشق خداوند است. خردمند دوم گفت: خداوند او را دوست دارد. خردمند سوم گفت: او روح خداست. اهمیت درونی این سه گفتار و اعلام در مورد مسیح چه می‌تواند باشد؟ جمله اول دلالت بر این دارد که مسیح پیام آور حق است. پیام آور می‌تواند ارباب خود را دوست بدارد ولی ارباب به این آسایشها پیام آور خود را دوست ندارد. جمله دوم اعلام می‌کرد که خداوند مسیح را دوست دارد. چرا؟ برای این که او تجلی الهی است. جمله سوم حاوی چیزی است که مسیح اعلام نمود: من و روح خدا یکی هستیم.^{۳۱} ساتیا سای بابا، همواره اذعان می‌دارد که:

«تمام انسانها نمادی از خداوند هستند و این که هر پیکر اوست که با نان تقویت می‌شود و هر قطره از خون جاری در رگهای هر موجود زنده‌ای، خون اوست که با شور و تحریکی که شراب به آن می‌رساند، روح می‌گیرد. از همین رو، می‌توان گفت که: هر انسانی تجسم روح خداوند است و باید همانند او مورد احترام قرار گیرد. شما مانند یک خدمتگزار عمل می‌کنید، پرستش می‌کنید، همان پسری که پدر خود را می‌ستاید و نهایتاً به خردی دست

می یابید که بیان گر این است که شما و او یکی هستید این سفری
معنوی است و مسیح راه را با عبادت واضح نشان داده است. «
سای بابا این گونه ادامه می دهد:

«همه انسانها را تجسمی از الوهیت بدانید و با عشق، تفاهم و
خدمت به آنها احترام بگذارید. تنها یک نابینا نسبت به شرایط
ملال آور دیگران بی تفاوت می ماند. تنها یک ناشنوا از ناله های
دیگران تأثیر نمی پذیرد. در حقیقت «دیگران» وجود ندارند.
شما همه سلولهای زنده ای در بدن خداوندید و هر سلول
وظیفه اش را برای پیشبرد اراده وی به انجام می رساند. «^{۳۲}

ساتیا سای بابا معتقد است:

«خداوند شکلی را به خود می گیرد که سر سپرده ها آرزو
داشته اند. دانستن این که تمام اشیاء خلق شده شکلی از خداوندند
بسیار اساسی است. «^{۳۳}

سای بابا در مسأله خداشناسی و پرداختن به خصوصیات خداوندی
همواره از تعالیم هندو که مبتنی بر تعدد خدایان است، فاصله می گیرد؛ لکن
در صدر و ذیل گفتارش درباره خداوند به پیامبران و ادیان توحیدی اشاره
می کند. این نکته در برخورد با موضع پلورالیسم دینی او پراهمیت است. ^{۳۴}
ضمن این که در ادامه علت تأکید او بر خدای یگانه نمایان می شود. ^{۳۵}

تجلی خداوند و ساتیا سای بابا

اوتار، از سنگهای اصلی بنای عظیم خداشناسی هندوست. ما تنها در آیین
هندو با مفهومی به نام اوتار، که تجلی امر مطلق در جهان خاکی است،
روبه رو می شویم. بر اساس آیین هندو مسؤولیت ویشنو به عنوان حافظ جهان

ایجاب می‌کند که در هنگام بروز خطرهای جدی برای جهان و موجودات آن به شکل موجودی زمینی متولد شود و جهان را از نابودی برهاند. تقریباً تمامی اوتارهای هندو، تجسم‌های ویشنو هستند. این اوتارها، همواره حامل خرد و دانشی هستند که برای حفظ بقای جهان ضروری است. ۳۶

در مسلک هندوئیسم، بنابر وضعیت طبیعی جهان ضروری است که همواره زمین‌خاکی از اوتار خالی نباشد. تا او اساس عقیده (دارما) را تحقق بخشد. دارما به معنای مسیر اصلی زندگی شخص، بدون دخالت و ضربه زدن به منافع و زندگی دیگران و بدون تجاوز به آزادی دیگر اشخاص است. به دیگر سخن، دارما به معنای این‌که آن‌چه را که دوست داری دیگران در حق تو انجام دهند در حق دیگران انجام دادن و به طور کلی ایجاد یک وحدت منظم بین گفتار و پندار و کردار انسانهاست. وجود اوتار بر روی کره زمین، ضروری است، تا تحقق دارما را عملی سازد. اوتار به صورت انسان، به عنوان دوست، نیکخواه بشر، خورشیاوند، راهنما، معلم، درمان‌کننده، شفابخش و شریک در بین انسانها زندگی می‌کند.

وجود اوتار برای اعاده دارما ضروری است و هنگامی که انسان بر اساس دارمایش زندگی می‌کند اوتار خوشحال و خورشود خواهد بود. ۳۷

اما نکته این‌جاست که ساتیا سای بابا، بعد از بیان ادعاهای بالا در تعلیمات عرفانی به شاگردان خود، خویشتن خویش را یک اوتار معرفی می‌کند. اوتاری که نقش معلم حقیقت را بازی می‌کند، کسی که آمده تا دوران جدیدی را در تعلیمات کهن معنوی بنا نهد و نقش یک نجات‌گر بزرگ را ایفا کند.

سای بابا می‌گوید:

«تو نمی‌توانی مرا در طبقه بندی «مرد خدائی» یک معجزه گر،

انسان خداگونه، یا شفادهنده قرار دهی. این اوتار - سای بابا -

برای ایفای نقش جدیدی آمده، نقش معلم حقیقت.»



بدین سان در گام نخست ساتیا سای بابا، به عنوان اوتار با نقش نوینی در صحنه ارشاد، به عنوان یک معلم حقیقت جلوه می کند. سپس برای معرفی خود و ابراز ویژگیها و تواناییهای ذاتی خویش چنین سخن می گوید:

«هر که تمام اعمال و کارهایش را به من اهدا کند بدون هیچ فکر دیگری، هر که روی من مراقبه می کند به من خدمت می کند، مرا پرستش می کند، مرا به خاطر دارد، بداند همیشه با او هستم... به آنهایی که مرا استهزا می کنند، تبسم می کنم، به آنها که دربار من دروغ جعل می کنند تبسم می کنم، به آنها که مرا تمجید می کنند تبسم می کنم دائم شادم پر از شمع.

تند صحبت می کنم و بعضی ها را تیبیه می کنم، اگر آنها مال من نیستند آنها را رها می کنم و توجه به آنها نمی کنم. این هشدار است برای ارتداد آنها. من حق دارم آنهایی را که به من تعلق دارند، گوشمالی بدهم، من بین شما راه می روم و صحبت می کنم. تربیت می دهم نشان می دهم، نصیحت می کنم و اندرز می دهم؛ اما از هر نوع وابستگی جدا هستم. خیلی وقتها به شما گفته ام که مرا با این ساخت فیزیکی مربوط ندانسته و یکی فرض نکنید، اما شما نمی فهمید.^{۳۸}»

ساتیا سای بابا، در مورد قدرت و توانایی خویش چنین می گوید:

«من شما را مجبور نمی کنم که نام و شکل بخصوصی از من انتخاب کنید، خداوند میلیونها نام و شکل دارد... اگر به عنوان ناراین^{۳۹} (یکی از نامهای خداوند) با چهار بازو در حال نگه داشتن صدف، چرخ، گرز، نیلوفر بین شما آمده بودم، شما مرا در یک موزه نگه می داشتید و از مردمان جست و جوگر پول

دریافت می‌کردید، اگر صرفاً به عنوان یک مرد آمده بودم به تعلیمات و آموزشهای من با دیده احترام نگاه نمی‌کردید و از آنها به خاطر خوبی خودتان پیروی نمی‌کردید. پس من باید در این شکل، ولی با دانش و نیروهای فوق بشری باشم. «^{۴۰} سای بابا می‌گوید:

«مأموریت من اعطاء شوق و شادی به شماست که از ضعف و ترس دورتان کنم.

مأموریت من پرآکندن شادمانی است؛ از این جهت همیشه آماده‌ام میان شما بیایم، نه یک بار، دوبار، یا سه بار، هر زمان که شما مرا بخواهید. اسعم ساتیا، من راستی هستم. اعمالم ساتیا جلال و شکوه من ساتیا تنها آرزوی من، شادمانی شماست. شادی شما شادی من است شادمانی جدا از شما ندارم. «^{۴۱} سای بابا در ادامه می‌گوید:

«قدرت من غیرقابل اندازه‌گیری است. تولد من غیرقابل توضیح و غیرقابل درک و پیمایش است. اصل سای، الوهیت سای، هرگز تحت تأثیر بدگویی و افترا، پشرفت‌اش متوقف نمی‌شود. «^{۴۱} لازم به ذکر است که در میان تمام رهبران عرفانهای نوظهور، مسأله «خودبزرگی بینی» دیده می‌شود. به عنوان مثال بسیاری از این رهبران (از جمله ساتیا س‌سای بابا، اوشو، کریشنا مورتی و...) در خلال نوشته‌ها و سخنرانی‌های‌شان به کرات اذعان می‌دارند که هنگام تولدشان اتفاقات نادری پیش آمده و یا از پیش منجمان و غیب‌گویان بزرگ، آمدن‌شان را وعده داده‌اند. اما روش ساتیا س‌سای بابا، به گونه‌ای دیگر است. او به واسطه پیشینه ممتاز مفهوم اوتار در تعالیم هندو و همچنین مقبولیت فراگیری که هندوئیسم، نه تنها در

هندوستان، بلکه در جهان دارد، سعی می‌کند خود را به مفهوم پنهان‌وار او اناری وصل کرده و در مسیر نیل به «خودبزرگ‌پنداری» گامهای بزرگ‌تر و استوارتری بردارد. حال آن‌که اینها ادعاهای بزرگی است که رهبران عرفانه‌های نوظهور برای آن دلیل محکمی ندارند و صرف داشتن نیروهای خارق‌العاده که به واسطه ریاضتها و ذکرهای مداوم حاصل شده و در میان مرتاضان کشورهای گوناگون، بویژه کشورهای آسیای شرقی فراوان است، نمی‌توان منجی جهانی بودن آنها را ثابت کرد.

سای بابا و تجلیات سه‌گانه

ساتیا‌سای بابا، که در پوتا‌پارتی مستقر است، چندین دهه پیش ادعا کرد که تجسم دوباره‌سای بابا شیردی است. شماری از طرفداران‌سای بابا به این گفته ایمان آوردند و البته شماری دیگر از طرفداران و هواداران‌سای بابا شیردی و ساکنان شیردی، این باور را ندارند و آن را نپذیرفتند. به همین خاطر،‌سای بابا که فعلاً در قید حیات است، هرگز به شیردی مسافرت نکرده است.^{۴۲}

ساتیا‌سای بابای ۸۲ ساله - به گفته خودش - در ۹۹ سالگی برای بار دوم از این دنیا فوت می‌کند و هشت سال بعد برای بار سوم، در جسم دیگری در شهر «میسور» دوباره ظهور خواهد کرد. نام این تجسم الهی «پرما‌سای بابا» و گسترش دهنده‌عشق و ادامه دهنده راه شیردی‌سای و ساتیا‌سای خواهد بود.

بنابراین ساتیا‌سای بابا، مدعی است که در دوره اول زندگی در جسم‌سای بابا شیردی در شهر شیردی و در دوره دوم با همین نام کنونی و با تجسم فعلی، در روستای پوتا‌پارتی ظهور کرده است. و در دوره سوم زندگی، در قالب جسمی با عنوان پرما‌سای بابا در شهر میسور دوباره ظاهر خواهد شد. در این جا، با اندکی تفصیل درباره سه تجلی‌سای بابا سخن خواهیم گفت:

الف. سای بابا شیردی

درباره زندگی نامه و تعالیم سای بابا شیردی^{۴۳} آثار اندکی وجود دارد. در این میان یکی از ترویج دهندگان اصلی آثار و تعالیم او فردی با نام ساتیا پال روهلا^{۴۴} است. او از هواداران جدی سای بابا و نویسنده کتابهایی درباره اوست. از جمله کتابهای اوست: سای بابا و پیام او،^{۴۵} ساتی سای بابا و آینده بشریت،^{۴۶} جنبش سای بابا،^{۴۷} ارزش انسان و مسأله تعالیم و تربیت او،^{۴۸} و بالاخره کتاب قدیس سای بابا شیردی.^{۴۹}

پال روهلا در کتاب قدیس سای بابا شیردی، می نویسد:

«دوران کودکی سای بابا شیردی برای مدتها در هاله ای از رمز و راز پوشیده بود. اخیراً؛ یعنی در ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۰ ساتیا سای بابا قسمتی از زندگی دوران کودکی قدیس شیردی را فاش کرد. بر اساس اظهار او، سای بابا شیردی در ۲۸ سپتامبر ۱۸۲۵ در جنگلی نزدیک دهکده پاتری در ایالت حیدرآباد هند در خانواده ای برهمن، به نام بهار دواجوگوترا^{۵۰} به دنیا آمد. نام مادرش دوگیری عمه^{۵۱} بود. او همیشه لباس ساده ای به تن می کرد. غذاهای ساده ای که هوادارانش به او می دادند، می خورد. و در مسجدی کوچک که نام آن را دوارکامائی^{۵۲} گذاشته بود، زندگی می کرد. می گویند او تمام روز در این مسجد روی تخته سنگ بزرگی که هنوز هم در آنجا قرار دارد، می نشست. هم اکنون نیز یک تصویر نقاشی شده از بابا که در زمان حیات وی در این مکان قرار داده شده، به چشم می خورد. اگرچه او در خانواده هندو متولد شده بود؛ اما همانند یک درویش مسلمان زندگی می کرد.

شیردی بابا در ۱۵ اکتبر ۱۹۱۸ فوت کرد. اکثر وقایع و اتفاقات زندگی سای

بابا شیردی در کتاب شیردی سائی بابا چاریتا^{۵۳} به چاپ رسیده و یا توسط دوستان و دوستان وی به صورت پراکنده منتشر شده است. سائی بابا شیردی، یک معلم روحانی عالیقدر بود که طرفداران تمام ادیان و مذاهب و حتی مردم هند از هر طبقه‌ای به او به دیده احترام می‌نگریستند و از تعالیم و نصایح او بهره می‌بردند.^{۵۴}

سائی بابا شیردی، بیش‌ترین تلاش خود را در اتحاد جامعه مسلمانان و هندو، با سفارش به صبر و بردباری و تأکید بر ایمان و اعتقاد راسخ به خداوند به عمل آورد. شیردی اعمال و عبادت هندوها و مسلمانان، هر دو را تمرین می‌کرد. در مسجد کوچکی زندگی می‌کرد و در آن محل عرفانی، طبق سنت مذهبی هندوها، عود و شمع روشن می‌کرد و آتشی در آن جا برپا کرده بود. مناسک مذهبی مسلمانان - نماز - را برپا می‌داشت و از طرفی به انجام مراسم هندوها می‌پرداخت. سائی بابا شیردی به عنوان سمبل انسان باکرامت مورد قبول هندوها، مسلمانان، پارسی‌ها و حتی مسیحیان بود.^{۵۵}

آموزش‌های مهم و اساسی سائی بابا شیردی حول هفت محور بود.

۱. قانون عمل و عکس‌العمل^{۵۶}: کارما - قانون عمل و عکس‌العمل - در لغت به معنای عمل است و در اصطلاح به قانونی گفته می‌شود که پیامد اعمال انسان را تعیین می‌کند و موجب پدید آمدن چرخه بازپیدایی می‌شود. کارما قانونی است که پیامد اعمال انسان را تعیین می‌کند، اما خودش نه پاداش عمل نیک است و نه جزای عمل بد. (Oxford Concise Dictionary, ۲۰۰۵: ۳۰۸)
۲. وفاداری و ایمان به استاد معنوی واقعی: ما باید به پیر روحانی خود اعتقاد داشته باشیم و از ته دل و با خلوص نیت به او خدمت نماییم و صبر و شکیبایی پیشه کنیم.
۳. تسلیم اراده خداوند بودن: ما باید تسلیم اراده و خواست خداوند باشیم و بدانیم که تنها اوست که می‌تواند چارچوبهای ذهنی ما را وسیع کرده و

ارزشهای درونی ما را شکوفا سازد.

۴. برابری و مساوات: خداوند را در همه موجودات مشاهده کنید. سای

بابا شیردی دائماً می گفت: خداوند را در درون همدیگر ببینید.

۵. وارستگی و استقلال: سای بابا شیردی بارها و بارها تکرار می کرد:

اسیر و تابع گرایشات و سنتهای حاکم بر جامعه نباشید، تنها به خداوند فکر

کنید و به سوی او حرکت کنید.

۶. صدقه دادن: سای بابا شیردی عادت داشت که از مردم صدقه بگیرد، حتی

گاهی از آنان پول مطالبه می کرد. او اهمیت صدقه دادن را بارها تذکر داده بود.

۷. چرخه کارما: سای بابا شیردی در این مورد می گفت: آن چه ما درو

می کنیم همانی است که خودمان قبلاً کاشته ایم. بنابراین، مواظب گفتار،

افکار و کردار خود باشیم.^{۵۷}

از این رو سای بابا شیردی در میان اهالی منطقه دارای شهرت روزافزونی

شد. سادگی و بی ادعایی او باعث شد تا بعد از اندک زمانی در سراسر هند

دارای شهرت و آوازه شود. از طرف دیگر، او بسیاری از نزاعها و درگیریهای

ساکنان منطقه را، که بیم آن می رفت مبدل به نزاعهای خونین شود، به آرامش

مبدل ساخت. به همین علت دارای محبوبیت فراوانی در میان ساکنان هندو و

مسلمان شد. بسیاری او را به عنوان رهبر عرفانی - سیاسی خود می شناختند و

سخنان فاقد عجب و غرور او را راهگشای زندگی خود می دانستند.

ب. ساتیا سای بابا

ساتیا سای بابا^{۵۸} در سال ۱۹۲۶ در دهکده «پوتاپارتی»^{۵۹} نزدیک شهر

بنگلور، واقع در جنوب هندوستان دیده به جهان گشود و در همان جا به تحصیل

پرداخت. می گویند: به یک باره اساس زندگی معنوی او دگرگون شد و وارد

دوران جدیدی از زندگی شخصی و مرحله جدیدی از حیات روحانی شد. ساتیا سایی بابا تبلیغات معنوی را از همان سنین ابتدایی به مرحله اجرا می‌گذارد.

در بیستم اکتبر ۱۹۴۰، در ۱۴ سالگی، ساتیا زندگی شخصی خویش را در اوراواکندا^۶ رها نمود. وی در تعالیم خود همواره اعلام می‌داشت: صلح و آرامش منحصر به سه رکن ذیل است:

۱. رهایی از وابستگی.

۲. دین و ایمان.

۳. عشق.

بدین سان برای عمل به اولین رکن صلح و آرامش، یعنی رهایی از وابستگی، خانه والدین خویش را ترک کرد تا رسالت خود را با رهایی از تمام وابستگیها آغاز کند.

در کتاب زندگی من پیام من است، چنین نقل شده: بعد از مدتی والدین ساتیا سایی بابا، با نگرانی و زحمت بسیار او را در حین انجام ذکرهای ریتمیک پیدا می‌کنند. پدر و مادر ساتیا سایی بابا از او خواهش می‌کنند که به خانه بازگردد. اما وی در برابر اسرار والدین خود، می‌گوید:

«هیچ کس به دیگری متعلق نیست اینها همه توهمات است».

بدین سان در نخستین گام از زندگی عرفانی خود، به ترک والدین اسرار می‌ورزد. این داستان به شدت برگرفته از روش زندگی عرفانی همچون بودا و نانک است. با رجوع به زندگی موسسین عرفانهای نوظهور، به کرات نمایان است که آنان بسیاری از رویدادهای اوائل زندگی و بسیاری از تعالیم عرفانی خود را کاملاً از عرفای بزرگ گرفته‌اند. این روشی معمول و بسیار شایع در میان بنیان‌گذاران انواع گرایشهای عرفانی نوین است.

از طرف دیگر، ساتیا سایی بابا هدیه گرفتن را تنها از طرف والدین و گورو (استاد معنوی) جایز می‌داند. ساتیا سایی بابا دو دوست صمیمی به نام «رامش»

و «سوده‌هیر» داشت. این دو دوست در دو طرف وی در کلاس درس می‌نشستند. رامش از خانواده ثروت‌مندی بود. روزی رامش یک یونیفورم بسیار شیک و نو را که ساتیا قادر به تهیه آن نبود به وی هدیه نمود، ولی ساتیا یونیفورم را با یادداشت زیر به رامش برگرداند:

«دوست عزیز! اگر می‌خواهی دوستی ما ادامه یابد باید از زیاده‌روی در مورد تبادل کالا خودداری نمایی. هنگامی که فرد نیازمندی هدیه‌ای را از ثروت‌مندی می‌پذیرد، ذهنش نگران می‌گردد که چگونه خوبی ثروت‌مند را جبران نماید. در عین حال، ذهن ثروت‌مند احسان‌کننده، از غرور انباشته می‌گردد. دوام دوستی واقعی بر پایه احساس قلبی استوار است. فردی که هدیه‌ای را می‌پذیرد خود را حقیر و کوچک احساس می‌کند و فردی که هدیه‌ای را می‌دهد، خود را بزرگ و مغرور احساس می‌نماید، چنین دوستی دوام نخواهد داشت. از این جهت لباسهایی را که به من هدیه نموده‌ای به من تعلق ندارد آنها را به همراه این یادداشت بازمی‌گردانم. ۶۱۰»

اکنون کتابهای بسیاری از وی در کشورهای مختلف جهان ترجمه و چاپ شده است. انسانهای بسیاری برای کسب معنویت و زیارت ساتیا‌سای بابا از دورترین نقاط جهان به هند می‌روند، تا شاید به دیدار وی نایل شوند و معنویت و حقیقت را در آن روستای دورافتاده، ببینند و طعم خوش عرفان را از دستان او هدیه گیرند.

اما به نظر می‌رسد با تأمل در داشته‌های عرفانی ساتیا‌سای بابا روشن می‌شود که برای عمل به تعالیم عرفانی او ناگزیر باید از علایق و عرفیات جامعه و قوانین معمول اجتماعی دور شد.

این رویارویی، یعنی استقبال از عرفان و آرامش عرفانی، و از سوی دیگر، ناروا دانستن دوری از عرفیات اجتماعی و گوشه‌نشینی، بیان‌گر یکی از



بزرگ‌ترین دغدغه‌های انسان مدرن خواهان معنویت است. این تعارض عمیق باعث می‌شود تا استقبال از عرفانهای نوظهور - هرچند در بدو امر با شور و شوق بسیار همراه باشد - در ادامه فاقد دوام و التزام فراگیری شود.

ساتیا س‌ای بابا برای اثبات حقانیت خود نزد مریدان و برای جذب بیش‌تر پیروان، همواره خود را صاحب معجزه‌های گوناگونی معرفی کرده است. اما با نظر به کارهایی که او از آنها به نام معجزه یاد می‌کند، روشن می‌گردد که آنها رفتاری خارق‌عادت و در میان مرتاضان و ساحران کرداری معمولی است. مثلاً یکی از معجزه‌های س‌ای بابا، در آوردن گوی آهنی از دهان است. اما به تازگی در طی فیلمبرداری دقیقی که حین این، به اصطلاح معجزه، از او به عمل آمده راز آن و پاره‌ای دیگر از معجزه‌ها (شعبده‌بازیهایی) او فاش شده است.

اما آنچه شخصیت عرفانی او را بیش از هر چیز دیگر جریحه‌دار می‌کند آن است که بر اساس گزارشی که بی‌بی‌سی به سال ۲۰۰۴ و برخی دیگر از رسانه‌های اروپایی منتشر ساخته‌اند، ساتیا س‌ای بابا متهم به سوءاستفاده جنسی از شماری از مریدان خود است.

گزارش بی‌بی‌سی دربردارنده مصاحبه با شماری از خانواده‌هایی است از مریدان ساتیا س‌ای بابا، که به شرح چگونگی تهدیدهای وی و بهره‌برداری جنسی از آنان پرداخته‌اند. (Wikipedia 2009: p 6)

بی‌بی‌سی، حجم خلاف‌کاریها و تخلفهای او را به حدی می‌داند که نیاز به دخالت دولتهای مختلف در برابر آن، ضروری به نظر می‌رسد.

ج. پرما س‌ای بابا

پرما س‌ای بابا^{۶۲} همان کسی است که بنابر ادعای ساتیا س‌ای بابا حدود بیست و چهار سال بعد - یعنی هشت سال بعد از فوت ساتیا س‌ای بابا - روحش

در قالب جسم پرما حلول خواهد کرد. ساتیا سای بابا معتقد است که پرما، آخرین ظهور او بر روی این کره خاکی است؛ چرا که پرما گسترش دهنده عشق و شادی برای تمام مردم جهان است.

ساتیا سای بابا مدعی است پرما موجب می شود که جهان بعد از آن همه جنگ و اضطراب و ناامنی، بار دیگر یکپارچه در صلح و آرامش غوطه خواهد خورد.

ساتیا سای بابا در بیان تعالیم خود با سخن گفتن از منجی که در آینده نزدیک می آید و ادامه دهنده راه سای بابا شیردی و خود اوست و در واقع روح او در آن منجی دمیده شده، اظهار می دارد که جهان مملو از ظلم و جور را به پایان می رساند و با گسترش صلح و آرامش، اهالی مضطرب زمین را در آغوش گرم معنویت پناه می بخشد. اما به نظر می رسد جمع ادعاهای فوق با رسواییهای پیش آمده بسیار سخت و دشوار است.

سخن پایانی

در عرفان ساتیا سای بابا موضوع خداپاوری کم اهمیت جلوه می کند. قدرت خداوندی در سیر دگرگونیهای زندگی انسان، نقش کم اهمیتی دارد. ساتیا سای بابا در قسمت دستورات عملی هیچ گاه هدف تعالیم عبادی را توجه به خدا و جلب رضایت او اعلام نمی دارد. در مقابل اظهار می کند که هر کس بر من مراقبه کند، همواره با او هستم و از او در تمام سختیها، محافظت و دستگیری می کنم.

ساتیا سای بابا، خود را اوتاره معرفی می کند که از جانب خدا برای هدایت انسانها نازل شده است. او در ابتدا به واسطه نوع رابطه ای که از خود با خداوند در ذهن انسانها ترسیم می کند، به دنبال کسب مقبولیت عمومی است؛ اما همین که به این هدف رسید و پیروان او به واسطه نوع رابطه مقدس مورد ادعایش، به او ایمان آوردند، دیگر توجه کانونی بر روی خدا برداشته می شود



و به عبارت دیگر، شخص ساتیا سایی بابا در موضع خداوندی می نشیند.

از آن پس همه موظف اند بنا بر خواسته های او قدم بردارند، بر روی او مراقبه کنند و تنها به دنبال کسب رضایت او باشند.

روشن است که ساتیا سایی بابا برای کسب محبوبیت دوچندان، خود را تجلی دوباره سایی بابا شیردی معرفی می کند. این موضع گیری از دو جنبه قابل بررسی است.

الف. هرچند که چند دهه از مرگ سایی بابا شیردی می گذرد؛ لکن او در منطقه شیردی و حتی در انصی نقاط هند دارای طرفداران فراوانی است. بسیاری از طرفداران شیردی، افراد بانفوذ و ثروت مندی هستند. آنان مبالغه فراوانی را صرف تزیین مقبره او می کنند. در سالروز وفات شیردی در مقبره او، مراسم یابود پرهزینه ای برگزار می شود. ساتیا سایی بابا، با استفاده از این استراتژی توانست برخی از مریدان شیردی را به خود جذب کند. هرچند هنوز بسیاری از طرفداران او این ادعا را نپذیرفته اند.

ب. بسیاری از ساکنان هندوستان، هرچند که از طرفداران رسمی شیردی نبوده اند؛ لکن برای او احترام زیادی قایل اند و هرگاه از شیردی سخنی به میان می آید، از او به بزرگی یاد می کنند. ساتیا سایی بابا با استفاده از این استراتژی توانست از محبوبیت عمومی اهالی هندوستان و به عبارت دیگر تمام کسانی که شیردی را می شناختند، استفاده کند.

از طرف دیگر، ساتیا سایی بابا، با بیان ویژگیهای خود در مرتبه سوم از تجلی - پرما سایی بابا - غیر مستقیم و یا حتی به صورت مستقیم اعلام می دارد که همان منجی جهانی است که تمام جهانیان و ادیان گوناگون سالیان طولانی است به انتظار او نشسته اند. البته این خود به همراه استراتژیهای بالا، ماجرای درخور تامل دیگری است.

پس نوشتهها:

1. Ram Mohan Roy
 2. ava-tara
 3. Mahabharata
 4. Brahma
 5. Siva
 6. Visnu
۷. یکی از سه راه بزرگ شناخته شده رستگاری در هندوئیسم، نگرش و کنش نیایش و عشق به خداوند است.
8. Asura
 9. Rama
 10. Krishna
 11. Tulasi
 12. Lakshmi
 13. Shridevi
 14. Bhudevi
 15. Garuda
 16. Ananta
۱۷. فرهنگ ادیان جهان، هینلز جان، گروه مترجمان/۶۶۶، نشر ادیان، ۱۳۸۶.
۱۸. اویانیشاد، شکوه محمد دارا، به سعی تاراچند و جلالی نائینی/۶۲۹، تابان، ۱۳۴۰.
19. Kalakin
 20. Gopi
 21. Kurukshetra

22. Arjune

۲۳. فرهنگ ادیان جهان/ ۸۶.
۲۴. آشنایی با هندوئیسم، دارام ویرسپینگ، ترجمه سیدمرتضی موسوی ملایری/ ۱۱۸، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۱.

25. Dravidian

26. Indus

27. Harappa

28. Mohenjodaro

۲۹. برای اطلاع بیش تر رجوع شود به «اساطیر هند» نوشته ورونیکا ایونس، ترجمه باجلان فرجی.
۳۰. تعلیمات ساتیاسای بابا، سای باباساتیا، ترجمه رؤیا مصاحبی محمدی/ ۳۱؛ تعلیم حق، ۱۳۸۳.
۳۱. سخنان ساتیاسای بابا، ترجمه توراندخت تمدن/ ۲۰۶، انتشارات تعلیم حق، ۱۳۸۱.
۳۲. همان/ ۹۶.
۳۳. تراشهای الماس خداوند، کوندار سیمما، ترجمه طاهره آشنا/ ۹۰، تعلیم مقدس، ۱۳۷۷.
۳۴. سای بابا همواره بر وجود ادیان گوناگون تأکید می کند. او در لابه لای تعلیم خود به مسأله کثرت گرایی دینی صحنه می گذارد.
۳۵. چرا که او در جهت اثبات این ادعاست که تنها یک خدای بزرگ و قدرت مند وجود دارد و من نیز تجلی - اراتار - بزرگ او هستم.
۳۶. گیتای جدید، سای بابا ساتیا، ترجمه مرتضی بهروان/ ۱۹، آویژه، ۱۳۸۲.
۳۷. عشق الهی و راجلوه گر سازید، سای بابا ساتیا، ترجمه پروین بیات/ ۵، عصر روشن بینی، ۱۳۸۴.
۳۸. همان/ ۱۰۶.

39. Narayena

. ۴۰ . همان/ ۱۱۵ .

. ۴۱ . همان/ ۱۶۸ .

. ۴۲ . قدیس سای بابا شیردی، ۱۳۷۷، ص ۵۴ .

43. Sai Baba Shirdi

44. Satya pal Ruehela

45. Sri Baba His Message

46. Sir Sathy Sai Baba and the Future of Mankind

47. Sri Baba Movement

48. Human Values and Education

49. Sir Shirdi Sai Baba Avatar

50. bhardwaja gotra

51. devgiriamma

52. Dwarka mai

53. sai baba charita

. ۵۴ . قدیس سای بابا شیردی، ترجمه حمیدرضا جعفری/ ۹، پیک ایران، ۱۳۷۷ .

. ۵۵ . همان/ ۴۴ .

. ۵۶ . لازم به ذکر است که این قانون از اصول اساسی عقاید هندوئیسم است .

. ۵۷ . همان/ ۵۰ .

58. Sathya sai Baba

59. pattaparti

60. uravakonda

. ۶۱ . زندگی من، پیام من است . سای بابا ساتیا، ترجمه پروین بیات/ ۱۰، عصرو

. روشن بینی، ۱۳۸۲ .

62. Perma Sai Baba